

پیرامون تاتی کلاسور (kalāsūr)

دکتر جهان دوست سبزعلیپور⁻

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

چکیده

گویش های ایرانی که گاه همپای زبان فارسی و گاه بیش از زبان فارسی قدمت دارند، ذخایری هستند که با گذشت سالیان دراز می توان از دل آنها به فرهنگ غنی و پر بار ایرانی دست یافت و با شناخت هرچه بیشتر این گویش ها می توان به شناخت بیشتر زبان فارسی و باروری آن کمک فراوانی نمود؛ اما گاه پراکندگی و کمبود منابع در زمینه تعداد کثیری از گویش های ایرانی نو باعث شده است که نتوان آن چنان که شایسته است درباره آنها نظرداد و به تحلیل و طبقه بندی آنها پرداخت و بدان خاطر باید از هرگونه مواد و پیکره زبانی به دست آمده از چنین گویش هایی استقبال کرد. گویش تاتی که در زمینه ارتباطش با زبان آذری و زبان های دیگر ایرانی، نظرات بسیاری ذکر شده، از گویش هایی است که گونه های فراوانی دارد و یکی از آنها تاتی کلاسور (kalāsūr) از گویش های تاتی آذربایجان است. آنچه از این گویش در دست داریم، دو مقاله از آقای احمد اصغری است که در شماره های قبلی نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز چاپ شده بود. بنابه اهمیت این گویش در حال فراموشی و نیز بنا به این دلیل که از این گویش، مواد زبانی قابل اعتماد دیگری در دست نداریم، نگارنده در این مقاله به بررسی و تحلیل آن گویش پرداخته است. آنچه در این مقاله آمده تحلیل مواد قبلی و استخراج ویژگی های دیگر گویش تاتی کلاسور از روی مواد زبانی ارائه شده است که در دو بخش تنظیم شده است: 1- تحلیل و بررسی تحقیق قبلی، 2- ویژگی های دیگر زبانی تاتی کلاسور. در بخش دوم مقاله، سعی نویسنده بر آن بوده ضمن برشمردن ویژگی های زبانی تاتی کلاسور، با گویش های تالشی و تاتی خلخال نیز به طور تطبیقی مقایسه شود.

کلیدواژه ها: گویش شناسی، گویش تاتی کلاسور، بررسی تطبیقی، تالشی، تاتی خلخال.

1 مقدمه

گویش‌های ایرانی ذخایر گران‌بهایی‌اند که با گذشت سالیان دراز هنوز حامل فرهنگ غنی و پر بار ایرانی هستند و در دل خود ذخایری نهان دارند که با شناخت آنها می‌توان بیشتر از آنها بهره برد. گویش‌های ایرانی نو هر کدام در قسمتی از خاک ایران رایج‌اند و این پراکندگی گاه مانع شناخت دقیق آنها شده است درحالی‌که می‌توان با شناخت این گویش‌ها به شناخت بیشتر زبان فارسی و حل پاره‌ای از ناشناخته‌های زبانی و دستوری آن کمک کرد.

گویش‌های ایرانی آذربایجان (آذری، هرزنی، تاتی و ...) دسته‌ای از گویش‌ها هستند که چنانکه شاید و باید شناخته نیستند، این درحالی‌است که بسیاری از این گویش‌ها از بین رفته، و از آن بین تاتی در مناطقی اندک رایج است، گرچه تعداد این مناطق اندک است، اما همین تعداد نیز فرصتی غنیست را به محققین می‌دهد تا پرده از زوایای مخفی این زبان‌ها بردارند.

گویش تاتی از گویش‌هایی است که در زمینه ارتباطش با زبان آذری و زبان‌های دیگر ایرانی، مثلاً تالشی، نظرات بسیاری (رک. هنینگ، 1954 و یارشاطر، 1336 و 1371) ذکر شده است. این گویش گونه‌های فراوانی دارد که یکی از آنها تاتی کلاسور (kalāsūr) از گویش‌های تاتی آذربایجان است.

آنچه از تاتی کلاسور (kalāsūr) در دست داریم، دو مقاله است که یکی در شماره مسلسل 198 نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز به نام «فعل در گویش تاتی کلاسور (kalāsūr)»، و دیگری در شماره مسلسل 207 همان نشریه به نام «اسم و ضمیر در تاتی کلاسور (kalāsūr)» از احمد اصغری چاپ شده بود و به معرفی و توصیف مختصر آن گویش اختصاص داشت. مقاله اول در 25 صفحه (از ص 1 تا 25 مجله)، به ساختمان فعل تاتی کلاسور و مقاله دوم در 21 صفحه (از ص 1 تا

21 مجله)، به مباحث دستوری اسم و ضمیر در آن گویش پرداخته‌اند. در مقدمه هر دو مقاله، اطلاعات مفیدی در ضمن مثال‌ها و شواهد فراوان درباره گویش تاتی و منطقه مورد نظر داده شده است، در مقاله اول نقشه‌ای از منطقه مورد نظر نیز آمده است.

بنابه اهمیت این گویش در حال فراموشی و نیز بنا به این دلیل که از این گویش، مواد زبانی قابل اعتماد دیگری در دست نداریم¹، باید از آقای اصغری سپاسگزار باشیم که این مواد را در اختیار محققین گذاشته است. اما از آنجا که همین مواد اندک، تحلیل کافی نشده و گاه به درستی تحلیل نشده، و ممکن است به دلیل کمی منابع در زمینه آن گویش، فقط به داده‌های این مقاله استناد شود، نگارنده به تحلیل و تکمیل داده‌های زبانی آن پرداخته، و امیدوار است با داشتن مواد زبانی بیشتر بتوان هرچه کامل‌تر درباره این گویش اطلاعات کسب کرد.

نکاتی که در این مقاله آمده، در دو بخش اصلی تنظیم شده است:

1 تحلیل و بررسی تحقیق‌های قبلی. اغلب موارد این بخش تکمیل و اصلاح

مواردی است که به درستی و یا دقیق تحلیل نشده است،

2 ویژگی‌های دیگر زبانی تاتی کلاسور. این بخش شامل مواردی است که در

تحقیق‌های قبلی نیامده و در اینجا نیز صرفاً جهت آشنایی بیشتر با تاتی کلاسور و نیز مقایسه آن با گویش‌های تالشی و تاتی خلخال، و به‌طور کلی جهت در دست داشتن مواد زبانی و تحلیل بهتر در بخش‌های واج‌شناسی، ساخت‌واژه، و واژگان آمده است.

2 پیشنهاد بحث

در زمینه تاتی در مناطقی از آذربایجان نخستین بار کسروی با داشتن نمونه‌ها و مواد زبانی‌ای که برایش فرستادند (نک. کسروی، 1378: 135) و یا از طریق اطلاعات مردمان بعضی از آن نواحی، به مطالبی اشاره کرد و همان مطالب امروزه گاه تکرار شده و در مواردی تکمیل شده است. هنینگ در «زبان کهن آذربایجان»، از روی شواهد نشان داده کسروی، به چند روستا در محال قرجه داغ، در شمال شرقی تبریز اشاره و ذکر

کرده است که درباره زبان آنها چیزی دانسته نیست (هیننگ، 1374: 325). بعدها یارشاطر در زمینه ارتباط زبان‌های ایرانی آذربایجان چنین نوشت: «لهجه‌های ایرانی که امروز در آذربایجان باقی‌مانده (هرزنی، کرینگانی و خلخال) به خلاف آنچه مشهور شده تصور نمی‌رود که بازمانده زبان قدیم آذربایجان «آذری قدیم» باشد. این لهجه‌ها، چنان‌که از مقایسه آنها بر می‌آید، باید از مشرق آذربایجان (طوالش) پس از استقرار زبان ترکی به بعضی از نقاط آذربایجان رفته باشد (یارشاطر، 1336: 37). یارشاطر خود در در ادامه مطالعات خویش در سال 1354، نظرش را کمی تغییر داد و این احتمال را که این زبان‌ها از نقطه دیگری به این سامان سرایت کرده باشند، منتفی و اصالت آنها را در این منطقه مسلم دانست (یارشاطر، 1371: 396). چون مواد زبانی این گویش‌ها تحلیل نشد، در این زمینه دیگر کسی با تحقیق زبان‌شناختی نظری نداده است. به هرحال همچنان درباره نحوه ارتباط این زبان‌ها و گویش‌ها بحث فراوانی وجود دارد.

3 تحلیل و بررسی تحقیق‌های قبلی²

3 1 در بخش مصدر³ (ص 18 الف) به چهار وند ماضی‌ساز -n, -r, -d, -t اشاره شده، اما به وند ماضی‌ساز مهم -est (و نیز گونه‌های -ast و -ust) که مصادر زیادی نیز از آن در تاتی کلاسور رایج است، اشاره نشده است. برای نمونه:

معنی	مصدر	معنی	مصدر
افتادن	gen-est-e	پوسیدن	ber-est-e
جوشیدن	qel-est-e	دانستن	zun-est-e ⁴
چکیدن	čāl-ast-e	دریدن	der-est-e
خندیدن	ser-est-e	گریستن	beram-est-e
خواباندن	hān-est-e	شناختن	sen-ust-e
شلیدن	lānq-est-e	کوبیدن	ku-st-e

ساخت اصلی مادهٔ ماضی با پسوند *-d, -t* (باقی‌مانده از پسوند صفت مفعولی / *-ta* / ایرانی باستان) است و ساخت‌های دیگر که امروزه بیشتر استفاده می‌شود، ثانوی به نظر می‌رسند. پسوند *-d, -t* در اغلب گویش‌های ایرانی در حال کاهش و به جایش علامت ماضی‌ساز جعلی یا ثانوی *-est*⁴ در حال افزایش است.

3 2 قبل از فهرست مصادر آمده است: «در مواردی که مصدر به *-te* و *-er* ختم می‌شود، قبل از آنها مصوت (vowel) و در مواردی که به *-de* و *-ne* ختم شده، قبل از آنها صامت (consonant) آمده است» (ص 9 الف).

در هر دو نکتهٔ فوق جای تردید است، زیرا مصادری در همان فهرست آمده‌اند که مختوم به *-te* هستند، اما قبل از آنها مصوت نیامده است، مانند:

معنی	مصدر	معنی	مصدر
شنیدن	maste	بستن	bāste
نشستن	nāšte	زدن	žāste
شستن	šuste	کشتن	kešte

نکتهٔ دوم این است که واج *-r* همانند واج *-t* جزیی از مادهٔ نیست، بلکه در تعدادی از مصادر مختوم به *-re*، واج میانجی (hiatus) یا عنصر هموندی است و زمانی ظاهر می‌شود که ریشه مختوم به مصوت باشد، میانجی بودن این واج را از آنجا می‌توان اثبات کرد که در بن مضارع ظاهر نمی‌شود. در زیر چند مصدر همراه فعل امر آن مصدر، که از بن مضارع ساخته می‌شود، ذکر می‌گردد:

معنی	مصدر	معنی امر	امر مفرد	امر جمع
رفتن	šere [še-r-e]	برو / بروید	be-š	be šān
گذاشتن، نهادن	nure[nu-r-e]	بگذار / بگذارید	biš <u>na</u>	biš ayān
دادن	dure[du-r-e]	یک لیوان آب به من بده (ص 10 ب)		mān ru livāni be- <u>da</u>

مصدر bere (بریدن) گرچه مختوم به re- است، اما واج r- جزیی از ماده فعل است، در مقابل آن واج r- در مصدر bere (بودن، شدن) واجی میانجی است، چون در ماده ظاهر نمی شود.

3 3 مصادری که در زیر شماره 2 مختوم به re- و 3 مختوم به de- آمده اند، عده ای ساده نیستند، بلکه مرکب اند، مثل:

شکلی که در مقاله آمده		شکل صحیح تر آنها	
بوییدن	böqāde	بوییدن	bö āde
پراندن	kāšdure	پراندن، کیش ⁵ دادن	kāš dure
پیچیدن	tārešdure	پیچیدن، پیچ دادن	tāreš ⁶ dure
نوشیدن	hur āde	نوشیدن یا هورت کشیدن	hur āde

3 4 در پانوش شماره 18 آمده است: «همچنین گاهی به آخر فعل امر "ka" می آید، مانند: (راندن [hayeška]) (بنوش hurka) (ببوی böka) (ببوس mā čēška). گاهی فعل امر به تنهایی امر است. (بشنو «be» از مصدر bere)» (ص 24 الف).

در این مورد ka جزء فعلی یا همکرد فعل مرکب است از مصدر محتملاً karde⁷ یا kārde که در فهرست مصادر نیامده و شکل دیگرش (āde • کردن) در فهرست مصادر آمده است. هر کدام از فعل های بالا در اصل چنین اند: heyēš ka (بران)، hur ka (بنوش)، māčēš ka (ببوس)، و آخرین فعل امر همان قسمت یعنی (be) به معنی «بشنو» یا از مصدر bere نیست، و محتملاً از مصدری دیگر است یا درست معنی نشده و یا غلط تایپی است، یعنی، «بشو» یا «باش» بوده است.

3 5 در ص 19 مقاله الف در بند 6 1 آمده: «گاهی بن فعل امر متفاوت از

مصدر است» و در ادامه این مثال‌ها آمده است:

bu	بیا	buyān	بیا بید	umare	از مصدر
beš	برو	be šān	بروید	šere	از مصدر
biš na	بگذار	biš nayān	بگذارید	nure	از مصدر
bay	برخیز	bayān	برخیزید	vendārde	از مصدر

این درست نمی‌نماید. سه فعل امر نخست جدول از ماده مضارع همان مصدر گرفته شده‌اند، وجود واج میانجی -r- در مصدر که در ماده مضارع ظاهر نشده، باعث این اشتباه شده است، و در مورد مصدر آخر باید گفت معلوم نیست چرا vendārde را مصدر این فعل ذکر کرده‌اند. این مصدر ربطی با فعل امر bay/bayān ندارد. مصدر این فعل⁸ aešde است که در فهرست مصادر نیز به معنی «برخاستن» آمده است.

3 6 در ص 8 الف، ذیل بند 4 مختوم به -ne، مصادری آمده است که در

تعدادی از آنها -n- جزئی از ماده فعل است و در تعدادی نیست، بلکه وند واداری است، مانند:

qel-est-e	جوشیدن	در برابر	qel-n-e	جوشاندن
tāres-t-e	ترسیدن	در برابر	tares-n-e	ترساندن
ber-est-e	پوسیدن	در برابر	ber-un-e	پوساندن
-----	---	در برابر	lār-un-e	لرزیدن [لرزاندن]
vašd-e	سوختن	در برابر	vašd-un-e	سوزاندن

همچنان‌که از مقایسه دوستون سمت چپ و راست بالا برمی‌آید، -un- یا -n-

جزئی از ماده فعل و در ردیف -t-، -d- نیست، بلکه وند واداری است که خود نویسنده نیز در صفحه 11 به شکل‌های دیگر این وند اشاره کرده است. در مقابل این دسته، در تعدادی از آن گروه -n- جزئی از ماده است مثل: čin-e (چیدن)، kern-e (کشیدن).

3 7 در بخش ضمیر پیوسته، ذکر گونه‌ای از ضمیر سوم شخص مفرد فراموش شده است و آن (e)š- است که ضمیر پیوسته‌ای است که در حالت اضافی، ساخت ارگتیو، و موارد دیگر به کار می‌رود. گونه š- به مفعولی که مختوم به مصوت باشد، می‌پیوندد. مثالی از حالت اضافی این ضمیر در ص 16 الف آمده است: mān dada-š keš-ma (من پدرش را کشتم). در همه جملات ساخت ارگتیو⁹، سوم شخص مفرد این ضمیر به مفعول می‌پیوندد و به فعل ضمیر ču/ ča می‌پیوندد:

krum kar-eš ōšdān dučča? کدام خانه را خودش خرید¹⁰؟ (ص 15 ب)

hasan ali-š bāqānda vinča. حسن علی را در باغ دید (ص 9 ب).

av mān-eš vinča او مرا دید (ص 14 ب).

ki man-eš ādazāng? چه کسی مرا صدا کرد؟ (ص 8 ب)

av kar-eš vindu. او خانه را دیده بود (ص 9 ب).

3 8 در بخش ضمایر پیوسته نهادی نوشته‌اند: «به صورت شناسه (decinences) در پایان فعل ذکر می‌گردد، و با توجه به زمان افعال متفاوت هستند. البته این ضمایر پیوسته، به همراه ضمایر مفعولی جدا هم به کار می‌روند» (ص 15 ب). این درست نمی‌باشد، چرا که ضمایر نهادی با ضمایر مفعولی، تفاوت دارند. ضمایر نهادی متصل یا پیوسته همان شناسه هستند که به فعل (در این گویش اغلب افعال لازم) می‌پیوندند و ضمایر متصل مفعولی (یا به عبارت دقیق‌تر غیرفاعلی) به اسم یا مفعول می‌پیوندند مانند: av mān-ša vin-ča (او مرا دید).

همچنان که در بند 1 7 گذشت، در تاتی کلاسور تعدادی از ضمایر مفعولی¹¹ دو شکل دارند: دسته 1 شکلی که فقط به مفعول می پیوندند، دسته 2 شکلی که به فعل جملات دارای ساخت ارگتیو می پیوندند. این دو شکل در زیر، در کنار ضمایر نهادی ذکر شده اند و تفاوت آنها قابل رویت است:

شخص و شمار	ضمایر نهادی		ضمایر مفعولی	
	جدا	پیوسته	پیوسته به مفعول	پیوسته به فعل متعدی
اول شخص مفرد	mān	-im	-m	-m(a)
دوم شخص مفرد	te	-iš	-r	-r(a)
سوم شخص مفرد	av	-a	-š	-č(a)
اول شخص جمع	amen	-imun	-mun	-mun(a)
دوم شخص جمع	šemen	-ir	-run	-run(a)
سوم شخص جمع	ave	-ind	-čun	-šun(a) / čun(a)

در مثال های (ص 14ب) به راحتی می توان به تفاوت این ضمایر پی برد. در جدول فوق موارد متفاوت پررنگ نشان داده شده اند.

آنها آنها را خوردند (17ب). ave ave-šun hārd-ind.

آنها پیراهن ها را شستند (13ب). ave šaiye-šun šes-čuna.

همچنان که از مثال ها پیداست، شکل ضمیری که به مفعول می پیوندد با ضمیری که به فعل متعدی می پیوندند، متفاوت و هر دو با شکل نهادی آن که در جدول نیز نمایان است، فرق دارند.

3 9 در صفحه 9 مقاله دوم ذیل مفعول صریح آمده است: «گاهی «ru» علامت

مفعول به صورت «run» تلفظ می شود مانند pas run detra (گوسفند را دوشیدی؟)».

این جمله نیز درست نمی نماید، چرا که run علامت مفعولی نیست، بلکه ضمیر متصل

یا پیوسته است که در ساخت ارگتیو ظاهر می‌شود. همچنان‌که خودشان نیز در توضیح ارگتیو آورده‌اند: «... ضمائر پیوسته به آخر مفعول اضافه می‌گردد» (ص 8 ب). run ضمیر پیوسته دوم شخص جمع است که گاه برای ادای احترام به جای دوم شخص مفرد به کار می‌رود مانند:

شما خانه را دیده بودید (10 ب). šemen kar-run vin-run.

3 10 در بخش حالت (case) زیر حالت نهادی آمده، نهادی به سه گروه تقسیم می‌شود: الف فاعلی، مانند:

من او را در مزرعه دیدم. mān avem zamiān da vinma.

خطی که زیر mān است نشان می‌دهد که فاعل است، یعنی نقش فاعلی دارد، اما چنین نیست. mān در این جمله حالت غیرفاعلی (مفعول صریحی، نائب فاعلی، و ...) دارد چون جمله دارای ساخت ارگتیو است و فاعل در اصل همان av (او) است، و در این ساخت همچنان‌که خود نیز در تعریف ارگتیو آورده‌اند: «عامل برابر با فاعل واقعی (منطقی) و مفعول واقعی (منطقی) برابر با فاعل دستوری است» (ص 8 ب). در جملات صفحات بعد اسم مورد نظر در داخل جمله مشخص نشده تا خواننده بداند درباره نقش کدام ضمیر بحث می‌شود.

3 11 در بخش نتیجه مقاله دوم، معلوم نیست، نویسنده با استناد به کدام بخش از مقاله به: «2 ارتباط قواعد دستوری این گویش شمال غربی با قواعد دستوری گروه خانواده ایرانی شرقی» (ص 18 ب) اشاره کرده‌اند. اگرچه زبان‌های گروه شرقی و غربی ایران به دلیل ایرانی بودن قواعد مشترکی با هم دارند، اما تاتی کلاسور همان ویژگی‌هایی را داراست که سایر گویش‌های شمال غربی. با وجود چند واژه مشترک با اوستایی نمی‌توان آن را با زبان شرقی مرتبط دانست.

3 12 تعدادی غلط‌های تایپی در متن وارد شده است که گاه به اصل داده‌های زبانی لطمه می‌زند و باعث می‌شود یک واژه گویشی بد خوانده شود. به عنوان مثال در زیر به تعدادی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

شکل نوشته شده	شکل صحیح	صفحه و سطر
rašdune «سوزاندن»	vašdune	ص 8 الف ذیل شماره 4
čarune «چراندن»	ص 8 ذیل شماره 4 čurne آمده است.	ص 9 الف
bis nayān	bīš nayān	ص 19 الف
کل جملات سه سطر آخر آشفته است	----	ص 21 الف سطرهای آخر
utcuna	ut čuna	ص 18 الف
serania	šerania	ص 8 ب سطر آخر
نصف جمله تاتی حذف شده است.	-----	ص 11 ب سطر سوم
جمله تاتی ناقص به نظر می‌رسد.	----	ص 14 ب سطر 5
marania	قیاساً umarania درست است.	ص 8 ب سطر سوم ماقبل آخر
ar šemen čuka ...	av šemen čuka	ص 10 ب سطر 10 ماقبل آخر
حرف بعد از اسم می‌آید	حرف «را» بعد از اسم می‌آید	ص 11 ب سطر 9
te ketāb eniš barda	te ketāb eniš barde	ص 14 ب سطر 6
v māneš vin ča	av māneš vin ča	ص 14 ب سطر 14
«تو مرا دیدی»	«تو او را دیدی»	ص 14 ب سطر 13
در را نبند	در را باز نکن	ص 16 ب سطر 14

3 13 واج □ (یعنی واج q که بر سرش خط تیره است)، در مقاله بسیار آمده، اما در جدول آوایی معرفی نشده است، احتمالاً همان واج q است که به دو شکل

حروف چینی شده‌اند. چنان است حرف p که رویش خط تیره آمده و در چند جای مقاله مثلاً ص 15 ب سطر 17، و ص 16 ب سطر 3 نوشته شده است.

3 14 لایحه‌های پیشین مضارع در سوم شخص مفرد در محیط‌های آوایی، به چند شکل ava/ avu/ ave ظهور کرده، ولی در ص 13 الف، فقط یکی از آنها معرفی شده است، (برای شکل‌های آن رک. صص 13 و 14 الف). احتمال اینکه این لایحه‌ها همان ضمایر سوم شخص مفرد ساخت ارگتیو باشند، وجود دارد.

3 15 یک مصدر دارای دو معنی در فهرست مصادر، دو بار آمده است. مثلاً bere یکبار «شدن» و یکبار «بودن» معنی شده است، در حالی که یک مصدر است با دو معنی، و verite یکبار «جنیندن» و یکبار «دویدن» معنی شده که باز مانند مورد قبل، یک مصدر با دو معنی است.

3 16 در ص 20 الف، ذیل روش منفی ساختن، آمده است « برای منفی کردن فعل امر از «ma» به جای be و biš استفاده می‌شود». اما مثالی برای فعل امری که ma- جایگزین biš بیاید، ذکر نکرده است.

3 17 در ص 21 مقاله الف زیر بند 3 طرز منفی کردن ماضی متعدی آمده، ولی مثال‌هایی که برایش ذکر شده، مضارع معنی شده‌اند. و در همان جا آمده «... در آخر مصدر بعد از حذف «e»، «a» می‌آورند: نمی‌خورم nim hârda نمی‌خوری nir hârda و ...». باید افزود که این مصدر نیست که بعد از علامت نفی آمده است، بلکه فعل سوم شخص مفرد است که در ساخت ارگتیو با مفعول خود را هماهنگ می‌کند و چون مفعول آن جمله در اغلب موارد غذا و یا هر چیزی است که سوم شخص مفرد فرض می‌شود، در اینجا نیز ساخت ارگتیو به درستی رعایت شده و شکل سوم شخص مفرد

فعل برای همه اشخاص به کار می‌رود. می‌توان این را با مثالی از تاتی خلخال¹² مقایسه کرد:

ama qazâ bard.	ما غذا خوردیم.	man qazâ bard.	من غذا خوردم.
šma qazâ bard.	شما غذا خوردید.	šma qazâ bard.	تو غذا خوردی.
avân qazâ bard.	آنها غذا خوردند.	av qazâ bard.	او غذا خورد.

در این مورد نیز bard «خورد» مصدر مرخم نیست، بلکه سوم شخص مفرد است که در ارگتیو برای شش شخص یکسان آمده است.

3 18 در تعدادی از فعل‌های پیشوندی و مرکب ارائه شده در مقاله، نوعی دوگانگی وجود دارد، بدین صورت که مثلاً معلوم نیست شکل peqārete¹³ (برداشتن)، درست است یا qāretepe، چون هر دو شکل در مقاله آمده (رک. ص 9 الف و 13 و 15 ب). و در مورد فعل مرکب نیز معلوم نیست جایگاه همکرد کجاست؟ گرچه طبیعتاً مثل همه گویش‌های ایرانی شمال غربی و زبان فارسی، همکرد بعد از اسم و صفت و قید و ... می‌آید مثلاً فعل مرکب «دست زدن» وجود دارد، نه «زدن دست»، در این دو مقاله چندین فعل مرکب است که همکردش در آخر آمده، مانند: hur āde «نوشیدن یا هورت کشیدن»، kāš dure «پراندن»، qesa maka «حرف زدن»، و در مقابل چندین فعل مرکب هم ذکر شده که همکردش در اول است، مثل:

qāde kāš	پرواز کردن	qāde pur	پر کردن
bera tārn	خیس شدن	qāde jeru	جدا کردن
bera nāsāz	بیمار شدن	bera piruz	پیروز شدن

قیاساً باید در همه این فعل‌ها، همکرد در آخر بیاید ولی چنین است. نویسنده مقاله نیز توضیحی نداده است، گرچه اغلاطی چاپی در مقاله وجود دارد، احتمال اینکه همه این موارد اشتباه چاپی (یعنی جابه‌جایی همکرد و اسم یا صفت) باشد، کم است.

اگر در انتهای یکی از مقاله‌ها یک داستان یا حکایت کوچک به زبان تاتی اضافه می‌کردند، برای محققین عرصه گویش‌شناسی بسیار مفید می‌بود، گرچه دیر نشده است و می‌توان از نویسنده محترم که مواد زبانی فراوانی از تاتی در اختیار دارد، انتظار داشت به نشر آن‌ها بپردازد.

4 ویژگی‌های دیگر زبانی تاتی کلاسور

4 1 از قرینه‌های متن پیداست که واج / v / که در گویش‌های ایرانی شمال‌غربی نظیر تاتی (تاتی خلخال، تاتی تاکستان)، هزرنی، تالشی، و گیلکی واجی رایج است، در تاتی کلاسور هم وجود دارد، مثلاً دو مصدر «بریدن» و «بودن» هر دو bere ذکر شده‌اند، قیاساً باید دو تلفظ داشته باشند، و مثل دیگر گویش‌های تاتی تلفظ مصدر «بریدن» b v re است، و مصدر «جنیدن» verite آمده و v v rite درست‌تر به نظر می‌آید و «افتادن» geneste آمده و g v n v ste صحیح‌تر به نظر می‌رسد. از مقایسهٔ مصادر آخر این مقاله با مصدرهای تاتی و تالشی، می‌توان این موضوع را بیشتر حس کرد. و شاید بتوان گفت در اغلب جاهای مقاله، که واج / v / مورد نظر است، به تبعیت از یارشاطر، از واج /e/ استفاده شده است.

4 2 ساخت مضارع اخباری در منابع قبلی معرفی نشده است و آنچه به نام مضارع اخباری معرفی شده، مانند: enim umare (می‌آیم)، eni š umare (می‌آیی)، enemun umare (می‌آییم)، (13 الف)، گویا مضارع مستمر است، به دو دلیل: 1 در

شکل با فعل‌های مضارع مستمر دیگر گویش‌های مثلاً تالشی شمالی و گیلکی شباهت دارد، 2 ساخت مضارع اخباری تاتی کلاسور بدون وند یا لاحقه‌های *eniš*، *enim* و *ava* ... است که در چند جای مقاله دوم، شکل صحیح آن ذکر شده است، از جمله در مثال‌های زیر که شکل صحیح بدون وند آن آمده است. شکل زیر شکل مضارع اخباری تاتی کلاسور است:

mān av kũ tārest-im.	1 من از او می‌ترسم. (14 ب)
av mān kũ tārest-a.	2 او از من می‌ترسد. (همان)
ave av ku tārest-ind.	3 آنها از او می‌ترسند. (همان)
te av kũ tārest-iš.	4 تو از او می‌ترسی. (همان)
āsbi leng čeyāna babāst-er ?	5 پای اسب را با چه می‌بندی؟ (9 ب)
zemestun ānda bare panjarun babāst-emun.	6 زمستان در و پنجره را می‌بندیم. (10 ب)

با توجه به مثال‌های به دست آمده به نظر می‌رسد بتوان طرز ساخت مضارع اخباری تاتی کلاسور را چنین بازسازی یا بیان کرد: ماده مضارع + شناسه ویژه مضارع = مضارع اخباری.

شناسه‌ها و ضمایر متصلی که به فعل مضارع می‌پیوندند، عبارت‌اند از:

اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
-(i)m	-(i)š	-a	-(e)mun	----	-ind
-	-(e)r	---	---	---	---

با مثال‌های بیشتر می‌توان جدول را تکمیل کرد، اما در مواد این دو مقاله نمونه‌های مضارع اخباری برای موارد خالی جدول پیدا نشد. همچنان‌که از مثال‌های 4 و 5 جدول بالا («تو از او می‌ترسی» و «پای اسب را با چه می‌بندی») پیداست، این ساخت چون در دوم شخص مفرد لازم و متعدی متفاوت است، از ساخت ارگتیو برخوردار است. بنابراین در تاتی کلاسور هم مضارع اخباری و هم مضارع مستمر وجود دارد.

3 4 محتمل است ماضی استمراری تاتی همان ماضی مستمر باشد که با علامت‌های *avu-*, *avuš-*, *avum* و ... می‌آید (12 الف)، و ساخت ماضی استمراری نیز بدون چنین وندی وجود داشته باشد، این فقط یک گمان است در قیاس با گویش‌های تاتی دیگر مناطق و تالشی، که چنین وندی در ماضی استمراری ندارند ولی در عوض در ماضی مستمر وندهای خاصی دارند.

4 4 ماضی بعید تاتی کلاسور که از فعل کمکی «بودن» استفاده نمی‌کند و به جایش مصوتی در آخر فعل کمک می‌آید، شبیه ماضی بعید تالشی جنوبی (سیاه‌مزیگی) (رک. سبزعلی‌پور، 1388: 161) است، که در جدول زیر با هم مقایسه شده‌اند:

تالشی جنوبی	برداشته بودم	برداشته بودی	برداشته بود	برداشته بودیم	برداشته بودید	برداشته بودند
	<i>pigeta-m-â</i>	<i>pigeta-y-â</i>	<i>pigeta-š-â</i>	<i>pigeta-mun-â</i>	<i>pigeta-yn-â</i>	<i>pigeta-šun-â</i>
تاتی کلاسور	گفته بودم	گفته بودی	گفته بود	گفته بودیم	گفته بودید	گفته بودند
	<i>ut-mu</i>	<i>ut-ru</i>	<i>ut-ču</i>	<i>ut-una</i>	<i>ut-runâ</i>	<i>ut-čuna</i>

همچنان‌که پیداست، هر دو گویش تاتی و تالشی در ماضی بعید از فعل کمکی

4 5 در تاتی کلاسور ساختمان مصدر سه شکل دارد: ساده، پیشوندی، و مرکب. در مقاله مثال‌های مصدر ساده بسیار آمده، و هم‌کرد فعل مرکب تاتی کلاسور را مصدرهای ساده āde □ «کردن»، dure «دادن»، و ... مانند: āde □ hāy «راندن»، hur āde □ «نوشتیدن»، kāš dure «پراندن»، tāreš dure «پیچیدن»، تشکیل می‌دهند و چند پیشوند فعلی یا مصدری در تاتی به چشم می‌خورد، از جمله: -pe و -u. مانند: āde □ «کردن» با پیشوند -u می‌شود: āde □-u «گشودن»؛ (رک. ص 10 الف و ص 16 ب، bari u-maka «در را ببند»، ārete □ «گرفتن» با پیشوند -pe می‌شود: -pe ārete □ «برداشتن» (رک. ص 9 الف و 15 ب).

4 6 به نظر می‌رسد ریشه در تاتی کلاسور، همانند تاتی و تالشی (رضایتی کیشه‌خاله، 1386: 51 و سبزه‌علی‌پور، همان، 26 و 121)، دو دسته ضعیف و قوی داشته باشد. ریشه ضعیف مصوت -ā- دارد و ریشه قوی مصوت -u- دارد. از ریشه قوی برای واداری کردن افعال استفاده می‌شود، و از ریشه ضعیف برای افعال لازم و موارد دیگر استفاده می‌شود. در جدول زیر چند نمونه فعل از دو گویش تاتی کلاسور در کنار تالشی ذکر می‌شود.

تاتی کلاسور			
افعال واداری		افعال لازم	
turs-en-e	ترساندن	tār-est-e	ترسیدن
rūn-n-e	رساندن	--	--
het-urnir-ma	خواباندم	hit-im	خوابیدم

تالشی شمالی (عنبران)

افعال واداری		افعال لازم	
tors-on-iyē	ترساندن	tārse	ترسیدن
lorz-on-iyē	لرزاندن	lārse	لرزیدن
u-gord-on-iyē	برگرداندن	u-gārde	بگشتن

با این حال، به دلیل کمبود مواد زبانی تاتی کلاسور در این مورد، جای تامل بسیار وجود دارد.

4 7 بخش ضمایر و شناسه‌های تاتی کلاسور، تاتی خلخال (رک، سبزعلیپور، همان: 47، 103)، و تالشی مرکزی (رک. رضایتی کیشه‌خاله، 1386: 37، 38 و 62) شباهت بسیار و یا ارتباط بسیاری با هم دارند، در این بخش تعدادی از آنها ذکر می‌شود:

نام گویش	من	تو	او	ما	شما	ایشان
تاتی کلاسور	mān	te	av	amen	šemen	ave
تاتی خلخال	man/az	t	a/ av	ama	šma	av
تالشی مرکزی	man/az	t	a/ av	ama	šma	av/ ay

چنان که پیداست، ضمایر منفصل فاعلی تاتی کلاسور با تاتی خلخال و تالشی مرکزی بسیار شبیه و تقریباً یکی است.

ضمایر متصل غیر فاعلی:

نام گویش	مَ -	تَ -	شَ -	مان -	تان -	شان -
تاتی کلاسور	-m	-r	-č / -š	-mun	-run	-čun
تاتی خلخال	-m	-r	-š	-mān	-rān	-šan
تالشی مرکزی	-m	-r	-š	-mun	-run	-šun

شناسه افعال لازم:

نام گویش	مَ -	ی -	وَ -	یم -	ید -	ند -
تاتی کلاسور	-m	-š	-a	-mun	-ir	-ind
تاتی خلخال	-m	-š	-e/ / -o	-mān	-rān	-ind()
تالشی مرکزی	-m	-š	-a/-i/ -o	-mun	-run	-in

ضمیمه مشترک و اشاره:

ضمایر اشاره				ضمیمه مشترک	نام گویش
آنان	آن	اینان	این		
ave	a	eme	em	ōšdān	تاتی کلاسور
av	a	m	m	štan	تاتی خلخال
aye	a	me	m	štan	تالشی مرکزی

در تاتی کلاسور «برای تمامی اشخاص» «ōšdān» به معنی خود و خویش به کار می‌رود» (ص 17 ب) ولی در تاتی خلخال و تالشی بعد از štan ضمایر متصل غیرفاعلی اضافه می‌شود. مانند «štan-m» «خودم»، «štan-r» «خودت» و

ضمایر ملکی¹⁴:

نام گویش	مال من	مال تو	مال او	مال ما	مال شما	مال آنها
تاتی کلاسور	āmān	ešde	čave	čamen	šemen	čavun
تاتی خلخال	man	št	ča	čama	šma	čmān
تالشی مرکزی	m n	št	čayi	čama	šma	čamun

4 8 افزونه -a پایانی افعال ماضی متعدی تاتی کلاسور (ص 14 ب) قابل مقایسه

است با تالشی مرکزی (رضایتی کیشه‌خاله، 1386: 71)، و تاتی خلخال (سبزعلیپور، 1388: 60) به عنوان نمونه:

تاتی کلاسور		تالشی مرکزی (پره‌سری)		تاتی خلخال (کجلی)	
دیدم	vin-m-a	دیدم	vind-m-a	گرفته‌ام	ara-gata-m-e
دید	vin-r-a	دید	vind-r-a	گرفته‌ای	ara-gata-r-e
دید	vin-č-a	دید	vind-š-a	گرفته‌است	ara-gata-š-e

ara-gata-mân-e	گرفته ایم	vind-  -mun-a	دیدیم	vin-mun-a	دیدیم
ara-gata-rân-e	گرفته اید	vind-  -run-a	دیدید	vin-run-a	دیدید
ara-gata-šân-e	گرفته اند	vind-  -šun-a	دیدند	vin-čun-a	دیدند

همچنان که پیداست، در تاتی خلخال (کجلی) این وند به صورت e- ظاهر می شود، در هر سه گویش برای همه اشخاص یکسان به کار می رود و شناسه هم نیست. (برای افزونه (-a/-e) فعل های ماضی نک. سبزعلیپور، 1388: 101 و 196).

4 9 مصدر

مصادر تاتی کلاسور شباهت بسیاری با مصدرهای تاتی خلخال و تالشی دارند. در زیر به تعدادی از مصادر تالشی مرکزی (رضایتی کیشه خاله، و خادمی ارده 1387: 172-158) و تاتی خلخال که شباهتی با مصادر تاتی کلاسور دارند، اشاره می شود:

مصدر	تاتی کلاسور	تاتی خلخال	تالشی مرکزی
افتادن	geneste	g  n  sen	g  n  ste
آمدن	umare	âmen	âme
آوردن	vârde	vâden	varde
برخاستن	aešde	hašten	perešte
برداشتن	peqârete	pegaten	pegate
بردن	bârde	barde	barde
بستن	bâste	basten	baste
بودن	bere	bien	be
پختن	pâte	paten	pate
ترساندن	tursene	târs  n  sen	târs  n  ste

tarsste	tarssen	tāreste	ترسیدن
gllste	gllsen	qeleste	جوشیدن
gllāvnste	gllānsen	qelne	جوشاندن
čie	čien	čine	چیدن
xte	xten	hete	خوابیدن
xande	xande	hānde	خواندن
harde	harden	hārde	خوردن
due	dāen	dure	دادن
zunuste	zānsen	zuneste	دانستن
dašte	duTEN	dute	دوختن
virite	vriten	verite	دویدن
vinde	vinde	vinde	دیدن
še	šien	šere	رفتن
že	zen	žare	زدن
vašeste	vašsen	vašde	سوختن
šušte	šesten	šesde	شستن
tṛrāknste	tṛraksen	terekeste	شکافتن، ترکاندن
xrate	xruten	herāte	فروختن
nue	nāen	nure	گذاشتن
bṛramste	bṛramsen	berameste	گریستن
vāte	vāten	ute	گفتن

لنگیدن	lānqeste	langsen	langste
--------	----------	---------	---------

5 نتیجه

به عنوان نتیجه و خلاصه کلام می توان چنین گفت که تاتی کلاسور که در دو مقاله معرفی شده است، یکی از گویش های در حال فروپاشی است که باید سریع تر از دیگر گویش های ایرانی به ثبت و ضبط داده های آن اقدام کرد، و با یک کار علمی و زبان شناسی دقیق به همه جوانب زبانی آن پرداخت. آنچه آقای اصغری فراهم کرده اند، راهگشای بسیاری از مشکلات خواهد بود و ذکر چند تذکر و تصحیح هیچ از ارزش علمی کار ایشان نخواهد کاست، بلکه امیدواریم این تذکرات به تکمیل و بهبود کارشان کمک کند.

همچنان که در بخش دوم مقاله با شواهد بسیاری بررسی شد، تاتی کلاسور با گویش های شمال غربی ایران از جمله تاتی خلخال و تالشی مرکزی شباهت بسیار دارد و برای تطبیق بیشتر و بهتر با تاتی سایر مناطق از جمله تاتی اطراف قزوین (رک). یارشاطر، 1969)، تاتی رودبار (رک. سبزهعلیپور، 1389) و تاتی سایر مناطق و یا با گویش های دیگر، نیاز به مواد زبانی بیشتری از گویش های ایرانی باقی مانده در آذربایجان است تا در زمینه ارتباط یا عدم ارتباط این گویش ها بتوان بیشتر تحقیق کرد.

پی‌نوشت‌ها

- 1- تمام مواد زبانی تاتی کلاسور در این مقاله از دو مقاله جناب آقای اصغری است و در همین جا از نامبرده سپاسگزاری می‌نمایم.
- 2- منظور از تحقیق‌های قبلی دو مقاله چاپ شده آقای اصغری است. در تمام این مقاله هر جا به مقاله اول (فعل در گویش تاتی کلاسور (kalāsūr)) اشاره شده، جهت اختصار با نام «الف»، و هر جا از مقاله دوم (اسم و ضمیر در تاتی کلاسور (kalāsūr)) صحبت شده، با حرف «ب» مشخص شده است، مثلاً "ص 16 الف" نشانه صفحه 16 مقاله اول است.
- 3- چنان‌که خود نویسنده نیز ذکر کرده (ص 6 الف)، الگوی کارش بیشتر بر مبنای روش تحقیق استاد مرتضوی (رک). «فعل در زبان هرزنی»، مرتضوی، 1342، و یارشاطر (A Grammar of southern Tati Dialects) است، اما بهتر آن بود در این کار از روش‌های جدید معمول در گویش‌شناسی ایرانی که در مجلات زبان‌شناسی و گویش‌شناسی نمونه‌هایی از آن آمده، پیروی می‌کردند، چون از زمان تألیف هر دو اثر بیش از چهار دهه می‌گذرد.

- 4- این وند از وندهای ماده ماضی سازی است که در گویش های ایرانی بسیار به چشم می خورد و به نوعی در ساخت مصدر جعلی به کار می رود (برای نمونه های این وند نک: سبزیعلیپور، 1388 : 30، 126 و 217).
- 5- کیش (پَر، پَر مرغ) کلمه ای است که برای راندن مرغان به کار می رود (نک. فرهنگ فارسی، معین، ذیل کیش).
- 6- محتملاً tāreš به معنی «پیچ و گره» از زبان ترکی وارد زبان تاتی شده و مصدر مرکب تاتی tāreš dure (پیچیدن، پیچ دادن) ساخته است.
- 7- از این مصدر فعل های مرکب زیادی در تاتی کلاسور وجود دارد: herdan qesa ma- ka بچه حرف زن (ص 13 مقاله دوم)، bari u-ma- ka در را نبند (ص 16 همان) جمله اخیر باید «در را باز نکن» باشد، چون در تاتی و تالشی این جمله به همین شکل وجود دارد.
- 8- این مصدر در تاتی خلخال hašt-en (برخاستن) است، و در مصدر eašde (برخاستن) تاتی کلاسور h- آغازی تلفظ نمی شود. در تاتی خلخال نیز فعل امر مفرد این مصدر bay و ماده مضارع آن hayz است.
- 9- برای ساخت ارگتیو در تالشی رک. رضایتی کیشه خاله (1384) و برای ساخت ارگتیو در تاتی خلخال رک. رضایتی کیشه خاله، سبزیعلیپور (1386).
- 10- این مثال (krum kar-eš öšdān dučča?) دو گونه معنا شده است. یکجا در صفحه 9، «کدام خانه را خودش ساخت؟» و جایی در صفحه 15 «کدام خانه را خودش خرید؟» معنا شده است.
- 11- می توان دو دسته ضمائر مفعولی را یک دسته پنداشت که در سوم شخص مفرد و جمع، هر کدام تکواژگونه ای نیز دارند.
- 12- نگارنده مقاله خود از گویشوران تاتی خلخال است.
- 13- در این فعل pe- پیشوند است، چون در تاتی و تالشی دیگر مناطق هم pe-gate و pe- gaten به همین معنا رایج است. رک. سبزیعلیپور، 1388: 41 و 138).
- 14- در مقاله، این ضمائر تحت عنوان ضمائر در نقش مضاف الیهی (ص 14 ب) آمده اند.

منابع

- اصغری، احمد. (1385)، «فعل در گویش تاتی کلاسور (kalāsūr)»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال 49، شماره مسلسل 198، بهار، ص 1 25.
-
- . (1387)، «اسم و فعل در گویش تاتی کلاسور (kalāsūr)»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال 49، شماره مسلسل 207، بهار و تابستان، ص 1 21.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم (1384)، /رگتیو در گویش تالش، مجله زبان‌شناسی، سال بیستم، شماره اول، بهار و تابستان، ص 113 126.
-
- . (1386)، زبان تالشی (توصیف گویش مرکزی)، رشت، فرهنگ ایلیا.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و ابراهیم خادمی ارده. (1387)، فرهنگ موضوعی تالشی به فارسی، دانشگاه گیلان، رشت.

- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و جهان‌دوست سبزه‌علی‌پور. (1386)، «ساخت ارگنیو در گویش تاتی خلخال»، فصلنامه ادب پژوهی، سال اول، شماره اول، ص 89 105.
- سبزه‌علی‌پور، جهان‌دوست. (1388)، بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش‌های تاتی (خلخال)، تالشی و گیلکی، رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان.
- (1389)، زبان تاتی (توصیف گویش تاتی رودبار)، رشت، فرهنگ ایلوا.
- مرتضوی، منوچهر. (1342)، «فعل در زبان هرزنی»، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال 14 ص 61 97.
- معین، محمد. (1375)، فرهنگ فارسی، امیرکبیر، تهران.
- یارشاطر، احسان. (1336)، «زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سال پنجم شماره 1 و 2، ص 11 46.
- (1371)، «آذری»، زبان فارسی در آذربایجان (2 جلد)، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، تهران ص 391 404.
- A.Yar-Shater. (1969), *A Grammar of Southern Tati Dialects*, The Hague Paris.
- W.B. Hening. (1954) *The Ancient Language of Azerbaijan*, TPhS, 157-177.